


Prioritizing the Most Important Indicators and Components of Competency-based Curriculum Models

Mahdiyeh Karimi  * | Ph.D. Student in Curriculum Development,
Ministry of Education, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of this study was to prioritize the most important indicators and components of competency-based curriculum models. The most important issues in the field of curriculum is the design and presentation of competency-based curriculum model, so that many thinkers and researchers have theorized in this regard and have presented several models with different and sometimes common components and characteristics. Given the multiplicity of models presented with the breadth of features and components in each of them, identifying, evaluating and prioritizing these models in terms of better application and effectiveness is a very difficult task. Therefore, reviewing and prioritizing the most important characteristics of these patterns and identifying repetitive components that indicate the importance of that component can be very important. Therefore, in this study, using a comparative and descriptive-analytical approach to study, identify and evaluate the components of the four competency-based curriculum models proposed by Chadha (2006), Ryan (2011), Dilmore et al (2001) and Richards (2013). Findings showed that the most frequent and priority features and components in these patterns are the components of education, teaching methods and evaluation. Components such as examples of competency and the learning process are also in the next priority. What was found from the research


* Corresponding Author: mahdiyeh_karimii@yahoo.com

How to Cite: Asghar, M., Asghar, M., Asghar, M. (2024). Prioritizing the Most Important Indicators and Components of Competency-based Curriculum Models, *Qualitative Research in Curriculum*, 5(14), 155-180. DOI: 10.22054/qric.2024.81946.389

findings was that common and repetitive features and components have a higher determinant role than less repetitive components and features, so the use of repetitive components in future proposed models can have more favorable effects in the field of competency-based curriculum.

Keywords: Competency-oriented curriculum, Chadha, Ryan, Dilmore et al, Richards.

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور

مهديه کریمی  * دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور است. از مهمترین موضوعات در حوزه برنامه‌درسی، طراحی و ارائه الگوی برنامه‌درسی شایستگی محور است، بطوری که اندیشمندان و پژوهشگران متعددی در این رابطه به نظریه‌پردازی پرداخته و الگوهای متعددی با مؤلفه‌ها و شاخصه‌های متفاوت و گاهاً مشترک ارائه نموده‌اند. با توجه به تعدد الگوهای ارائه شده با وسعت شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مطرح شده در هر کدام از آن‌ها شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی این الگوها از منظر کاربرد و اثرگذاری بهتر، کاری بس دشوار است. از این رو بررسی و اولویت‌بندی مهمترین شاخصه‌های مطرح شده در این الگوها و شناسایی مؤلفه‌های پرتکرار که نشان‌دهنده اهمیت آن مؤلفه است می‌تواند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد. به همین منظور در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکردی تطبیقی و به روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های چهار الگوی برنامه‌درسی شایستگی محور مطرح شده از سوی چادها (۲۰۰۶)، ریان (۲۰۱۱)، دیلمور و همکاران (۲۰۰۱) و ریچاردز (۲۰۱۳) پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که شاخصه‌ها و مؤلفه‌های پرتکرار و دارای اولویت در این الگوها، مؤلفه‌های آموزش، روش‌های تدریس و ارزشیابی هستند. همچنین مؤلفه‌هایی نظیر مصادیق شایستگی و فرآیند یادگیری نیز در اولویت بعدی قرار دارد. آنچه از یافته‌های پژوهش حاصل گردید، این موضوع بود که شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مشترک و پرتکرار از نقش تعیین‌کنندگی بالاتری نسبت به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کم‌تکرار برخوردارند، بنابراین استفاده از مؤلفه‌های پرتکرار در الگوهای پیشنهادی آتی می‌تواند اثرات مطلوبتری در حوزه برنامه‌درسی شایستگی محور داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌درسی شایستگی محور، چادها، ریان، دیلمور و همکاران، ریچاردز.

مقدمه

برخوردار بودن نظام آموزشی با رویکردی شایستگی‌محور یکی از مهمترین و اساسی‌ترین موضوعات و فرآیندی است که می‌تواند اثرات بسیار مهم و پایداری بر تربیت نیروی انسانی داشته باشد. این فرآیند در سنین پایین قادر است در نهادینه سازی دانش، اطلاعات و توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی تأثیر بسیار زیادی داشته باشد. با توجه به اهمیت این موضوع در بسیاری از کشورهای جهان موضوع شایستگی‌محور بودن برنامه درسی از همان دوران ابتدایی و حتی پیش از آن مورد توجه قرار دارد. با وجودی که در فرآیند تعلیم و تربیت مطلوب و مناسب عوامل و فاکتورهای بسیار متعدد و متنوعی اثرگذار هستند، اما یکی از مهمترین فاکتورهایی که به تعلیم و تربیت مطلوب و نتیجه بخش کمک زیادی می‌نماید، توجه به شایستگی‌ها، استعدادها و توانمندی‌هاست. توجه به این مؤلفه‌ها در برنامه درسی می‌تواند نقش تعیین کننده و مستقیمی در ارتقاء فرآیند آموزشی داشته باشد.

اهمیت این موضوع در برنامه درسی سبب شده است تا اندیشمندان و صاحب نظران متعددی بر اهمیت محتوای درسی و برنامه‌ریزی درسی تأکید ورزند و همچنین الگوها و شیوه‌های متعددی را به منظور ارائه برنامه درسی مطلوب و مبتنی بر شایستگی طراحی و معرفی نمایند. به عنوان مثال اگرچه در رابطه با موضوع شایستگی محوری در برنامه درسی بین اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد، اما برخی از اندیشمندان بر این عقیده‌اند که تاریخچه پرداختن به موضوعات مبتنی بر شایستگی محوری به ۵۰۰ سال قبل و به حوزه هنر و صنعت در قرون وسطی باز می‌گردد (اسپادی^۱، ۲۰۰۴). با این حال اکثریت اندیشمندان بر این موضوع متفق‌القولند که توجه به شایستگی محوری مربوط به دهه‌های آخر قرن بیستم می‌باشد که در این دوره شرکت‌های مک پیشگام روش‌شناسی مبتنی بر شایستگی بود و دیوید مک کلند روان‌شناس دانشگاه هاروارد در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ پایه‌گذار آن بود. مک کلند سعی داشت آزمون‌ها و ابزارهایی را شناسایی کند تا بتواند عملکرد را پیش‌بینی کند و ایده اصلی او این بود که شایستگی باید به جای هوش اندازه‌گیری شود. مقاله مک کلند که در سال ۱۹۷۳ تحت عنوان «آزمودن شایستگی بجای

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کرمی | ۱۵۹

هوش» در مجله روان‌شناسی آمریکا چاپ شد، نقطه عطفی برای توسعه نهضت شایستگی به عنوان جایگزینی برای نهضت هوش بود (کرمی و مومنی مهموئی، ۱۳۹۰).

وی رویکرد شایستگی را بر پنج محور قرار داده بود: ۱- نمره‌هایی که توسط یادگیرنده کسب می‌شود برای موفقیت شغلی او پیش‌بینی کننده محسوب نمی‌شود، ۲- آزمون‌های هوش و آزمون‌های نگرش پیش‌بینی کننده موفقیت شغلی یا دیگر پیامدهای مهم زندگی نیستند، ۳- آزمون‌های هوش و عملکرد تحصیلی، تنها پیش‌بینی کننده عملکرد شغلی بوده و در رابطه مستقیم با شرایط اجتماعی می‌باشند، ۴- این آزمون‌ها برای گروه اقلیت، غیرمنصفانه هستند، ۵- شایستگی‌ها می‌توانند نسبت به آزمون‌های سنتی، پیش‌بینی کننده بهتری برای رفتارهای اصلی محسوب شوند (چنگ^۱، ۲۰۱۲) به تأکید بر موضوع شایسته‌محوری تمرکز کشورها بر این موضوع نیز افزایش یافت و کشورهای نظیر ایالات متحده، کشورهای اروپای غربی، ژاپن و چین برنامه‌های درسی کاربردی و تقویت کننده استعدادها، توانایی‌ها و پتانسیل‌های دانش‌آموزان و مدل‌ها و الگوهای شایستگی‌محور در نظام و برنامه درسی آنان زمینه بروز استعدادها و توسعه شایستگی‌ها را فراهم نمودند.

پس از آن رفته‌رفته موضوع شایسته‌محوری در برنامه درسی مورد توجه قرار گرفت و الگوهای متعددی توسط اندیشمندان و پژوهشگران طراحی و تدوین شد که هر کدام از آنها شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشخصی را در تمرکز و توجه خود قرار داده‌اند و هر کدام از آن‌ها با تأکید بر برخی از فاکتورها مراحل متعددی برای آن ترسیم نموده‌اند. برای مثال برخی بر این عقیده‌اند که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی (CBC) با هدف بررسی چالش‌های پیش روی فرآیند عملیاتی شدن آن باید در محور قرار گیرد و در این حوزه هرگونه مانعی برای ایجاد این دستورالعمل تحول‌آفرین باید سریعاً مرتفع شود تا افراد از تغییرات و اصلاحات جدید و بهینه در برنامه درسی بهره‌مند شوند (آکالا^۲، ۲۰۲۱). امروزه توسعه انسانی با چالش‌های متعددی در حوزه دانش روبرو است و برون‌رفت از این چالش‌ها نیازمند رویکرد آموزشی گسترده و مطلوبی دارد که با توسعه زمینه‌های یادگیری

1. Cheng

2. Akala

و آموزش مبتنی بر شایستگی که بیشتر از یادگیری انتزاعی در یادگیری مهارت‌ها عینی اهمیت دارد، بتوان این موانع را برطرف نمود (آمی مؤسس و همکاران^۱، ۲۰۲۰). علاوه بر آن توجه به سطح مهارت‌ها حرفه‌ای معلمان و ارائه برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی می‌تواند صلاحیت‌ها و توانایی‌های افراد را تا حد قابل ملاحظه‌ای ارتقاء دهد (واچیدی و همکاران^۲، ۲۰۲۰). در تکمیل این فرآیند توجه به دوره‌های مقدماتی شامل مهارت‌ها حل مسئله، مهارت‌ها خلاقانه و مهارت‌ها نوآورانه نیز می‌تواند تا حد بسیار بالایی در بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها و شایستگی‌ها اثرگذار باشد (آدمولا و همکاران^۳، ۲۰۲۰). علاوه بر موارد فوق در بررسی شیوه‌های عملی، آموزشی و فرآیند یادگیری، توجه به پیامدهای برنامه‌های مدرسه و کلاس درس از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای ارتقاء بهزیستی کودکان، رشد سالم و یادگیری فعال بسیار مؤثر و مطلوب است (لیندا و همکاران^۴، ۲۰۱۸). در این راستا طراحی الگوی نظام‌مند جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی متشکل از مؤلفه‌های مهمی نظیر رسالت‌ها، شایستگی‌ها، محتوا (محتوای شناختی، محتوای عملی و محتوای نگرشی)، راهبردهای آموزشی و ارزشیابی و بازخوردها می‌توان این فرآیند را تکمیل نمود و تسریع داد (آندرانیک و همکاران^۵، ۲۰۱۵). برخی دیگر از محققان بر استفاده از رویکرد مبتنی بر شایستگی در برنامه درسی تأکید نموده‌اند و بر این اعتقادند که برنامه درسی و محتوای درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که فارغ‌التحصیلان را برای کار آماده سازد و تأکیدش بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسأله باشد و مراحل را برای یادگیری مادام‌العمر به منظور حفظ مهارت‌ها و دانش به‌روز شده برقرار سازد، همچنین این فرآیند باید دارای رویکردی تلفیقی باشد تا رویکرد سنتی مبتنی بر موضوع، بر نتایج و اعمال قابل مشاهده تمرکز گردد (والش^۶، ۲۰۱۲).

1. Ambei Moses
2. Wachidi, W.
3. Ademola et al.
4. Linda Darling-Hammond
5. Andronache, D., Bocoş, M., & Neculau, B. C.
6. Walsh J. L.

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کریمی | ۱۶۱

بنابراین، پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با موضوع نشان دهنده اهمیت و اثرات بسیار تأثیرگذار الگوهای برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی و شایسته‌محوری است. اگر چه ممکن است هر کدام از این تحقیقات به بخش خاص یا فاکتورهای مشخص و معینی از این فرآیند پردازند، اما به طور کلی نشان دهنده اهمیت موضوع شایسته‌محوری در برنامه‌درسی است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است که چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در طراحی و تدوین برنامه‌درسی شایستگی‌محور از اهمیت بالاتری برخوردار است؟ این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها از منظر نظریه پردازان مطرح برنامه‌درسی نظیر چادها (۲۰۰۶)، ریان (۲۰۱۱)، دیلمور و همکاران (۲۰۱۱) و ریچاردز (۲۰۱۳) کدامند؟ و توجه به این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در تدوین برنامه‌درسی چه مزایا و فوایدی دارد؟ به منظور دستیابی به پاسخ سؤالات مذکور، نگارنده سعی نموده است که منابع، مقالات و آثار علمی مرتبط با رویکردهای شایستگی محور و الگوهای نوین در برنامه‌درسی و همچنین مقالاتی که در رابطه با تعیین و شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار در برنامه‌درسی شایستگی‌محور به رشته تحریر درآمده است را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور و با توجه به تعدد الگوهای برنامه‌درسی شایستگی‌محور و تأکیدات هر کدام از آنها بر برخی شاخص‌ها و مؤلفه‌های خاص، این پژوهش با تکیه بر رویکردی تطبیقی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مهمترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی‌محور پرداخته است. فرضیه این پژوهش این است که شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مشترک و پرتکرار مورد تأکید نظریه پردازان مذکور از نقش تعیین‌کنندگی بالاتری نسبت به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کم‌تکرار برخوردارند، بنابراین استفاده از مؤلفه‌های پرتکرار در الگوهای پیشنهادی آتی می‌تواند اثرات مطلوبتری در حوزه برنامه‌درسی شایستگی‌محور داشته باشد.

مبانی و مفاهیم

موضوعات و مفاهیمی همچون برنامه‌درسی، محتوای درسی و شاخص‌ها و الگوهای شایستگی و شایسته‌محوری از جمله مفاهیم و اصطلاحاتی است که در تعریف آنها و

حدود و چارچوب مفهومی و عملیاتی آنان اتفاق نظر وجود ندارد. در رابطه با این مفاهیم تعاریف مختلفی صورت گرفته است و برای هر کدام شاخصه‌ها و مؤلفه‌های متعددی بیان شده است. بنابراین در این پژوهش مهمترین و رایج‌ترین تعاریف در ارتباط با این مفاهیم ارائه شده است.

براین اساس برنامه درسی چنین تعریف شده است؛ یک برنامه کلی و عمومی در ارتباط با محتوای آموزشی که توسط نظام آموزشی ارائه می‌گردد تا در سایه آن یادگیرندگان قادر شوند صلاحیت‌های لازم را در خود بوجود آورده و برای ورود به حوزه‌های فنی و حرفه‌ای خاص آماده شوند، بر این اساس برنامه درسی فرآیندی رسمی یا غیررسمی است که از طریق آن، یادگیرنده به کسب معلومات پرداخته و شیوه درک دانش و اطلاعات را در می‌یابد، مهارت‌های را فرا می‌گیرد و نگرش، ارزش‌گذاری و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد (مظاهری، ۱۳۹۵). در این فرآیند نظام آموزشی، محیط آموزشی و مهمتر از آن برنامه درسی، فاکتورها و مبانی طراحی برنامه درسی و همچنین روش‌های تدریس مدرسین و معلمین، اهداف و محتوای کتب درسی و وضعیت امکانات و تجهیزات آموزشی نیز از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار در محسوب می‌شوند (روشن و همکاران، ۱۳۸۹).

در رابطه با مفهوم شایستگی نیز تعاریف متعددی وجود دارد و از شایستگی از ریشه کلمه لاتین «Competentia» به معنای «داشتن حق قضاوت یا حق صحبت کردن» گرفته شده است (تریپاتی و آگراوال^۱، ۲۰۱۴). بطور کلی دو مکتب فکری مختلف در تعریف شایستگی وجود دارد. یک مکتب فکری مدعی است که شایستگی بر دانش و مهارت دلالت دارد و مکتب دوم مدعی است که شایستگی دربردارنده ویژگی‌های است که به عملکرد موثر کمک می‌کند. در تعریف دوم شایستگی می‌تواند شامل دانش و مهارت و برخی خصوصیات دیگر مانند سطوحی از انگیزه و صفات شخصی باشد. هسته اصلی مکتب فکری دوم، فلسفه‌ای است که معتقد است، تمرکز باید بر روی کسانی باشد که کار را انجام می‌دهند، کاری که توسط این افراد انجام می‌شود. مکتب اول را رویکرد انگلیسی

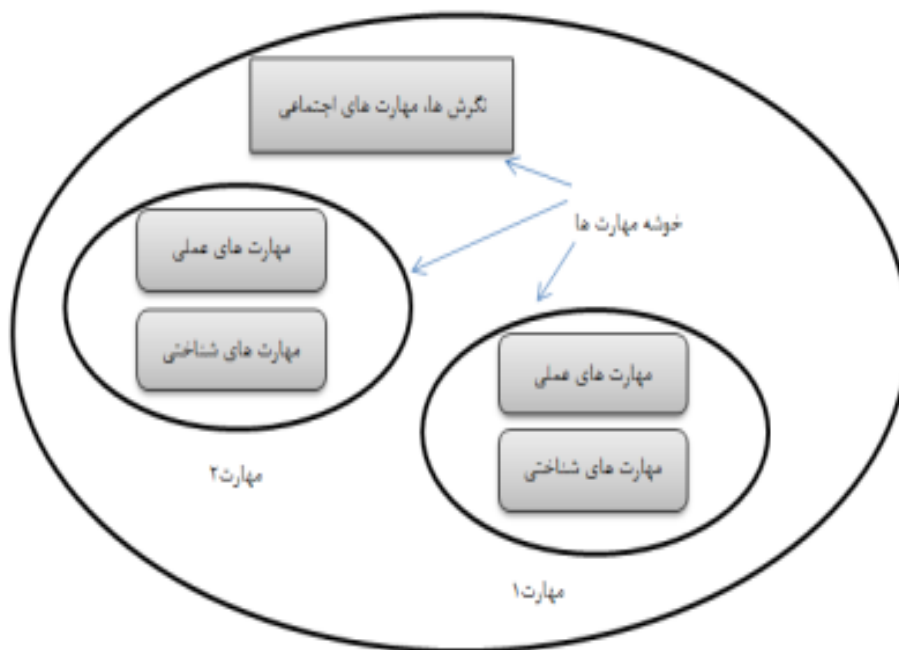
1. Tripathi, Kaushiki; Agrawal, Manisha

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کریمی | ۱۶۳

و مکتب دوم را رویکرد آمریکایی به شایستگی می‌نامند؛ اما در دهه‌های اخیر اجماع در حال رشدی در حوزه منابع انسانی به وجود آمده است که شایستگی را مجموعه‌ای از دانش مرتبط، توانایی‌ها، مهارت‌ها و سایر ویژگی‌ها معرفی می‌کند. ادبیات نشان می‌دهد که مفهوم شایستگی شامل دانش و مهارت‌ها، در کنار دیگر ویژگی‌ها (به عنوان مثال نگرش‌ها، رفتارها، عادات کاری، توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی) است، بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرد (رضایت و همکاران، ۱۳۹۷). با این حال از منظر برخی از نظریه پردازان نظیر سودسومبون^۱ (۲۰۰۷) مفهوم شایستگی در بردارنده اصول زیر است: (۱) عملکردی است که از نظر کمیت، کیفیت، زمان، هزینه و یا ترکیبی از این متغیرها، قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری می‌باشد؛ (۲) هر یک از خوشه‌های مهارت، در بردارنده مهارت‌های شناختی، مهارت‌های عملی، مهارت‌های اجتماعی و نگرش‌هاست که با یکدیگر یک کل را تشکیل می‌دهند؛ (۳) مهارت‌ها همچنین در بردارنده مهارت‌های شناختی سطح بالای طبقه بندی بلوم (۱۹۵۶) می‌باشد که مستلزم تحلیل، تفسیر، طراحی، ارزشیابی، ترکیب، برنامه‌ریزی، تشخیص و غیره می‌باشد؛ (۴) یک "شغل" فعالیتی است که آغاز و پایان معینی داشته و می‌تواند بیش از یک دوره زمانی کوتاه استمرار داشته و موجب تولید، خدمات یا تصمیماتی گردد.

1. Sudsomboon W.

شکل ۱. عناصر مفهوم شایستگی



منبع: سودسومبون^۱ (۲۰۰۷)

آندرسن^۲ (۲۰۰۸) نیز در تعریف شایستگی به سه رویکرد اشاره می‌کند: (۱) رویکرد مبتنی بر وظیفه: این رویکرد که به رویکرد رفتارگرایی نیز موسوم است، شایستگی را مجموعه‌ای از رفتارهای مجزا در نظر می‌گیرد که با پیوند به یکدیگر، وظیفه خاصی را به انجام می‌رساند. در این دیدگاه به وظیفه به عنوان شایستگی نگریسته می‌شود و ارزشیابی از شایستگی‌ها از طریق مشاهده مستقیم صورت می‌گیرد. در این رویکرد، برنامه‌های درسی در صدد آن است که فارغ‌التحصیلانی تربیت کند که به استانداردهای شایستگی نایل شوند. از نقطه ضعف‌های این رویکرد می‌توان به کاهش گرایانه بودن آن اشاره کرد. به علاوه در این رویکرد ویژگی‌های اساسی افراد، فرایندهای گروهی و تأثیر آن بر عملکرد نادیده گرفته می‌شود.

1 .Sudsomboon W.

2 . Andersen

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی‌محور؛ کریمی | ۱۶۵

۲. رویکرد مبتنی بر ویژگی‌های عمومی و شخصی: این چشم‌انداز بر ویژگی‌های فردی که وظیفه‌ای را به عهده گرفته است تأکید دارد. ویژگی‌های عمومی معمولاً شامل دانش، مهارت‌های ارتباطی، مهارت تفکر انتقادی و مهارت تحلیل موقعیت‌ها است که اخیراً هوش عاطفی نیز به این ویژگی‌ها افزوده شده است. مفروضه اساسی این رویکرد این است که فردی که دارای ویژگی‌های مذکور باشد، قادر خواهد بود تا این ویژگی‌ها را در زمینه‌های عملی گوناگون بکار گیرد. این رویکرد بر وجود شایستگی‌های عمومی تکیه دارد.

۳. رویکرد تلفیقی: این رویکرد به دنبال آن است تا رویکرد «ویژگی‌های عمومی» را با «زمینه‌هایی» که قرار است این ویژگی‌ها در آن بکار گرفته شود، تلفیق کند. این رویکرد، دانش، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که در زمینه‌ای خاص برای انجام وظیفه‌ای حرفه‌ای انتخاب می‌شود را مورد نظر قرار می‌دهد. این رویکرد، دارای چشم‌اندازی کل‌گرایانه نسبت به شایستگی است. استفاده از چشم‌انداز تلفیقی در ارزشیابی عملکرد، رویکردی نسبتاً جامع در ارزشیابی ارائه می‌دهد (آندرسن، ۲۰۰۸).

تمرکز بر موضوعاتی نظیر برنامه‌درسی و رویکردهای برنامه‌درسی شایسته‌محور نشان می‌دهد که صرف‌تعلیم براساس محتوای درسی یکنواخت و عدم تمرکز بر برنامه‌های مهارت‌افزایی، تقویت‌کننده شاخص‌های خلاقانه و نوآورانه نمی‌تواند فرآیند شایسته‌محوری و کشف استعداد‌های آنان را جامه عمل بپوشاند (کیان و همکاران، ۱۳۹۴). محتوا و برنامه‌درسی و آموزشی مناسب می‌تواند ضمن شناخت استعدادها و مهارت‌ها، تقویت مهارت و استعداد‌های نهفته، تهییج افراد در بروز استعدادها و ایجاد انگیزه در جهت شکوفاسازی مهارت‌ها و خلاقیت‌ها، زمینه را برای کشف استعدادها و شایستگی‌های آنان را فراهم نماید. بنابراین محتوای درسی نقش بسزایی در بروز و کشف استعدادها و شایستگی دارد. تحقیقات نشان داده است که ارائه الگوهای برنامه‌های درسی و آموزشی متفاوت می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد و در بروز شایستگی بسیار مؤثر باشد (اورورک و همکاران، ۲۰۱۷).

رویکردهای مطرح در برنامه درسی

برای ورود به مبحث شناسایی و اولویت بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه درسی مبتنی بر شایستگی و بررسی مطالعات پیشین و ادبیات بین‌المللی مربوطه مهمترین رویکردها مرتبط با برنامه ریزی درسی به شرح زیر قابل ارزیابی است:

الف) برنامه درسی محتوا محور: این چشم انداز توسط افرادی همچون فلیپ فنیکس^۱ (۱۹۶۲)، آرتور بستور (۱۹۵۶)، هاجینز (۱۹۸۰) و اولیوا (۱۹۷۷) و... معرفی شده است. در این رویکرد بر آنچه که باید یاد گرفته شود و یا به یادگیرنده انتقال داده شود، تأکید می‌شود. از این منظر، برنامه درسی در بردارنده مجموعه‌ای از اهداف است که انتظار می‌رود یادگیرندگان در طی فرایند آموزش، از طریق آن‌ها دانش و مهارت‌ها مورد نیاز را کسب کنند.

ب) برنامه درسی به عنوان تجارب یادگیری: این رویکرد به برنامه‌ریزی درسی، توسط افرادی چون تبا (۱۹۶۲)، باییت (۱۹۱۸)، دیویی (۱۹۸۳) و تانر (۱۹۹۵) مورد توجه بوده است. در این منظر به برنامه‌ریزی درسی، معتقدند که تدارک تجارب یادگیری مفید برای یادگیرنده، نیاز اصلی در فرایند برنامه‌ریزی درسی است. در این چشم‌انداز، اهدافی که در برنامه درسی تدوین می‌شوند، باید به عنوان منبعی برای بازسازی نظام‌مند دانش باشند.

ج) برنامه درسی به عنوان یک برنامه آموزشی: از حامیان این رویکرد می‌توان به گودلد (۱۹۹۸) و والرین (۱۹۹۱) اشاره کرد. برنامه‌ریزی درسی در این رویکرد بر اهمیت و نقش سازماندهی فرایندهای آموزشی بر اساس محصولات‌های برنامه درسی از قبیل سرفصل‌ها، طرح‌های برنامه درسی و طرح‌های درسی متمرکز است.

د) برنامه درسی به عنوان رویکردی غیرتکنیکی: این چشم انداز توسط صاحب‌نظران معاصر همچون پاینار (۲۰۱۲)، اپل (۲۰۰۱)، آیزنر (۱۹۹۴)، گرین (۲۰۰۸) و گلیگان (۲۰۱۰) مورد حمایت است. نظریه‌هایی که به برنامه درسی از منظر غیرتکنیکی می‌نگرند، به برنامه درسی منعطفی قائل هستند و رویکردهای منطقی به برنامه درسی که در نهایت

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کربمی | ۱۶۷

منجر به تولید برنامه می شوند را رد می کنند. نویسندگانی که قائل به رویکرد غیرتکنیکی هستند، از برنامه درسی که زمینه اجتماعی داشته، تفکر انتقادی را مورد تأکید قرار داده و بر پایه آزادی مؤسسات آموزشی بنیان نهاده شده است، حمایت می کنند (کاسمین^۱، ۲۰۱۳).

ه) رویکرد تلفیقی: رویکرد تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی در برابر رویکرد سنتی و البته رایجی قرار می گیرد که به «موضوع محوری» یا «موضوعات مجزا» مشهور است. از آن جا که تلفیق و درهم تنیدگی موضوعات یادگیری به صور مختلف و در سطوح گوناگون متصور است، متخصصان برنامه درسی علاقمند به این عرصه تلاش‌های گسترده‌ای را به عمل آورده‌اند تا سطوح و صور یاد شده را توضیح داده و با تنقیح و تبیین آنها از پیچیدگی موضوع به ویژه برای دست اندرکاران عملی بکاهد (احمدی، ۱۳۸۰).

و) برنامه درسی هدف محور: این رویکرد به برنامه‌ریزی درسی در بین صاحب نظرانی همچون تایلر (۱۹۴۹)، بلوم (۱۹۵۶)، بورک (۲۰۰۹) و مار زانو (۲۰۱۰) شایع می‌باشد. در این رویکرد، تعریف‌های برنامه درسی بطور عمده بر بیان اهمیت دستاوردهای آموزشی متمرکز است. این دستاوردها باید در کل فرایند آموزشی مدنظر بوده و با دیگر مؤلفه‌های فرایند آموزش مرتبط باشند. شاخص‌ترین حامیان این رویکرد در تاریخ برنامه درسی، تایلر و بلوم می‌باشند. بنابراین الگوهای برنامه درسی شایستگی محور در قالب رویکرد برنامه درسی هدف محور قابل بررسی و ارزیابی است.

الگوهای رایج برنامه درسی شایستگی محور و شاخصه‌های مهم آنها

در این مبحث چهار الگوی برنامه درسی شایستگی محور توسط چادها (۲۰۰۶)، ریان (۲۰۱۱)، دیلمور و همکاران (۲۰۱۱) و ریچاردز (۲۰۱۳) مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌ها و مؤلفه‌های هر یک از آنها تشریح شده است.

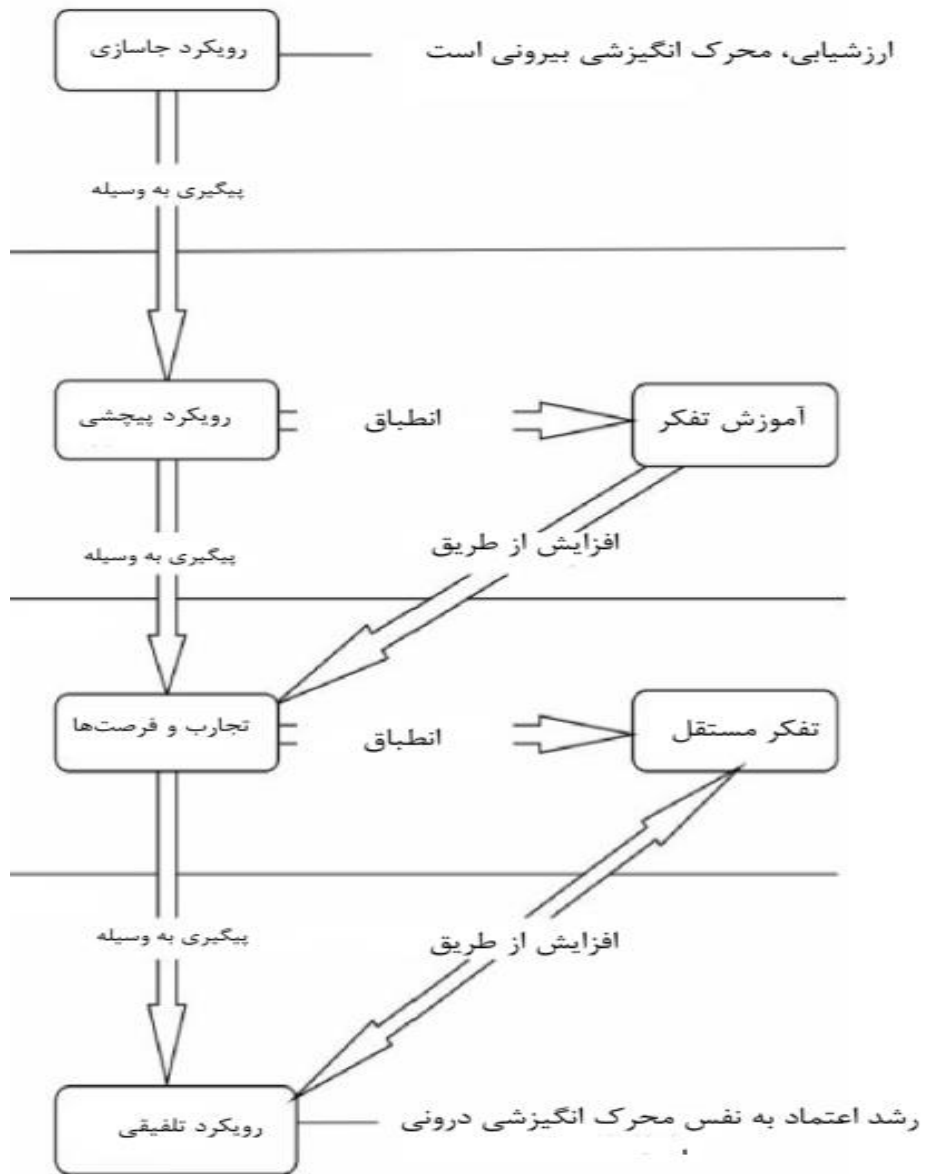
الف) الگوی برنامه درسی شایستگی محور چادها (۲۰۰۶)

چادها (۲۰۰۶) یکی از اندیشمندانی است که رویکردهای مربوط به برنامه درسی را مورد

بررسی قرار داده است. وی در درجه اول مهمترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های رویکرد برنامه درسی را تعیین نموده است و پس از آن عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی شایستگی‌محور را تشریح نموده است. مهمترین عناصر مدنظر (چادها، ۲۰۰۶) در طراحی برنامه درسی عبارتند از اهداف، تجارب و فرصت‌های یادگیری و ارزشیابی. وی این سه فاکتور و مؤلفه را در طراحی برنامه درسی دارای اولویت و اهمیت می‌داند و تأکید دارد که رویکرد برنامه درسی می‌بایست بر مبنای این شاخص‌ها استوار باشد. همچنین از منظر وی مهمترین عناصر برنامه درسی در رویکرد شایستگی عبارتند از شایستگی‌ها و پیامدهای یادگیری، بیانیه‌های شایستگی (اهداف قابل مشاهده و اندازه‌گیری)، روش‌های تدریس و یادگیری و ارزشیابی (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵).

چادها (۲۰۰۶) همچنین در رویکردی تخصصی‌تر الگویی تحت عنوان الگوی «برنامه درسی برای رشد مهارت‌های قابل انتقال» ارائه داده است. این الگوی برنامه‌ریزی درسی دارای سه رویکرد جاسازی، پیچشی و تلفیقی می‌باشد. رویکرد جاسازی: در این رویکرد هیچ اشاره مستقیمی به رشد مهارت‌های قابل انتقال نشده است و بیشتر تأکید بر جنبه فنی و «دانستن چگونگی» است. رویکرد پیچشی مهارت‌ها، مستقل از دیسپلین اصلی و بصورت ضمنی توسعه پیدا می‌کنند. رویکرد تلفیقی: مهارت‌های توسعه یافته و به صورت ضمنی در درون دیسپلین اصلی تدریس می‌شوند و به همان اندازه هم بر رشد مهارت‌های قابل انتقال، به عنوان توانایی‌های فنی تأکید می‌شود (چادها، ۲۰۰۶).

شکل ۲. الگوی برنامه درسی برای رشد مهارت‌ها قابل انتقال

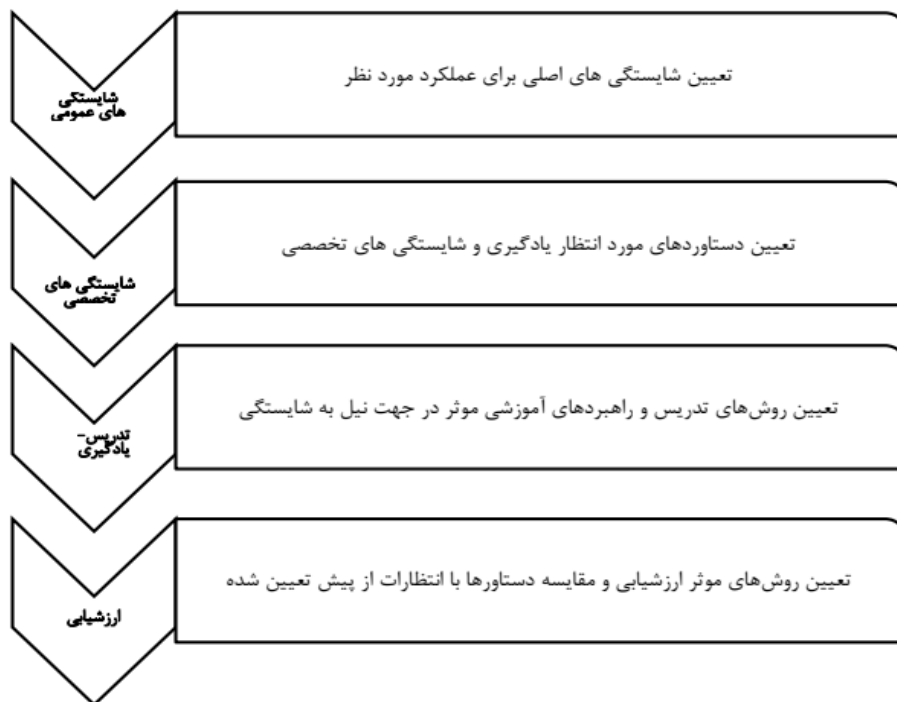


منبع: اقتباس از چادها (۲۰۰۶)

ب) الگوی برنامه‌درسی شایستگی محور رایان^۱ (۲۰۱۱)

رایان (۲۰۱۱) نیز از جمله اندیشمندانی است که رویکردهای مطرح در برنامه‌ریزی درسی را مورد بررسی قرار داده است و فاکتورها و مؤلفه‌هایی برای آن برشمرده است. از منظر رایان برنامه‌درسی باید دارای عناصر شایستگی‌های کلی (هدف)، دستاوردها یا شایستگی‌های خاص (هدف‌ها قابل مشاهده و اندازه‌گیری)، تدریس و ارزشیابی باشد. از دیدگاه رایان (۲۰۱۱) مراحل طراحی برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی عبارت است از: (۱) تعیین شایستگی‌های اصلی برای عملکرد مورد انتظار؛ (۲) تعیین دستاوردهای مورد انتظار یادگیری و شایستگی‌های تخصصی؛ (۳) تعیین روش‌های تدریس و ارزشیابی (Ryan, 2011). شکل (۳) مراحل طراحی برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی از منظر رایان را نشان می‌دهد.

شکل ۳. مراحل طراحی برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی از منظر رایان (۲۰۱۱)

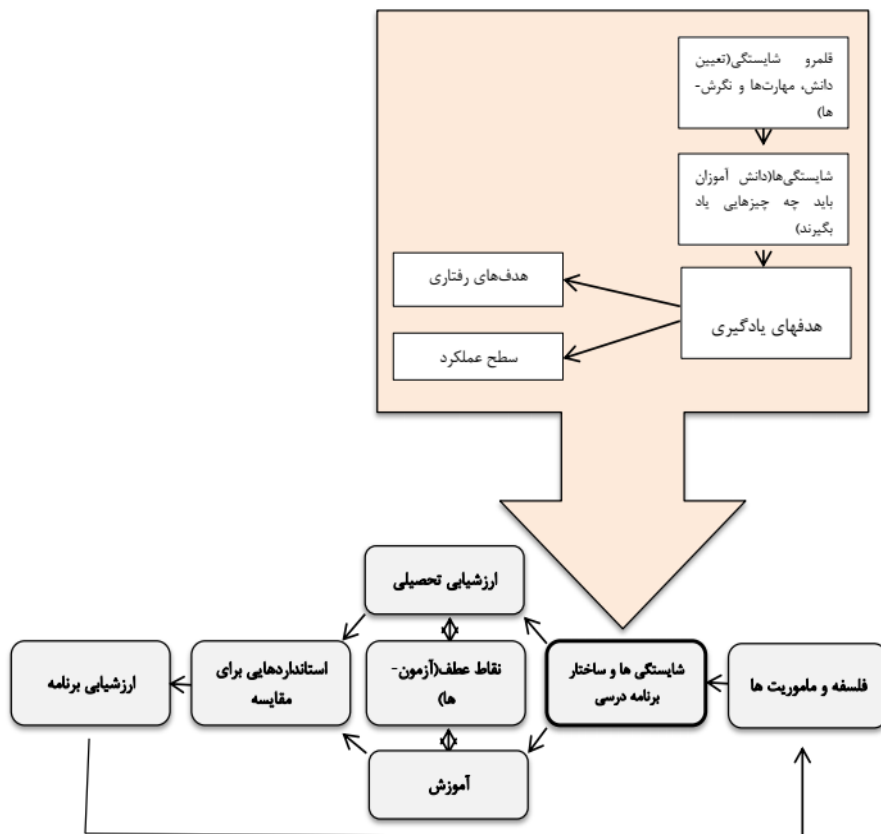


1. Ryan

ج) الگوی برنامه درسی شایستگی محور دیلمور و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در الگوی برنامه درسی دیلمور و همکاران (۲۰۱۱) شایستگی‌ها در چارچوب فلسفه و مأموریت‌های اصلی برنامه درسی تعیین می‌شوند. از منظر این رویکرد در طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی این عناصر را مهم تلقی می‌کنند: فلسفه، اهداف، استانداردها، آموزش و ارزشیابی.

که در شکل (۴) در فرایندی مجزا به آن پرداخته شده است. این الگو آزمون‌ها را به عنوان نقاط عطف در برنامه درسی در نظر می‌گیرد که بین فرایند آموزش و ارزشیابی تحصیلی پیوند برقرار می‌کند. استانداردها در این الگو، مانند اغلب الگوهای شایستگی مورد توجه خاص قرار دارد. استانداردها در این الگو هم در تعیین هدف‌های یادگیری و هم در فرایند ارزشیابی از اهمیت خاصی برخوردار است. ارزشیابی از برنامه درسی به عنوان آخرین مرحله این فرایند، پیوند عمیقی با اولین گام الگو، یعنی فلسفه و مأموریت‌های برنامه درسی دارد.

شکل ۴. الگوی طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی از منظر دیلمور و همکاران (۲۰۱۱)



منبع: اقتباس از دیلمور و همکاران ۲۰۱۱

از منظر دیلمور و همکاران برنامه‌ریزی درسی را مبتنی بر شایستگی بر شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی نظیر فلسفه و مأموریت‌ها، شایستگی و ساختار برنامه درسی، ارزشیابی تحصیلی به همراه آزمون‌ها و آموزش، استانداردهای مقایسه‌ای و ارزشیابی می‌داند.

د) الگوی سه گانه ریچاردز^۱

ریچاردز (۲۰۱۳) در بررسی الگوهای برنامه درسی مبتنی بر شایستگی رویکردی متفاوت از سه دیدگاه قبلی دارد. از منظر وی در طراحی برنامه درسی بطور کلی سه رویکرد اصلی

1 . Richards

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کریمی | ۱۷۳

وجود دارد. وی با توجه به ابعاد درون‌داد، فرایند و برون‌داد در برنامه درسی که به ترتیب به رئوس مطالب، روش تدریس و دستاوردهای یادگیری اشاره دارد، سه طرح برنامه درسی مختلف را ارائه داده است. این طرح‌ها عبارتند از طرح رو به جلو، طرح مرکزی و طرح رو به عقب. در طرح رو به جلو، درون‌داد، فرآیند و برون‌داد بطور خطی در یک فرایند در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر قبل از تصمیم‌گیری در مورد روش‌شناسی و برون‌داد، موضوعات مرتبط با محتوای آموزش تعیین می‌شود. شکل زیر فرایند طراحی برنامه درسی رو به جلو را نشان می‌دهد:

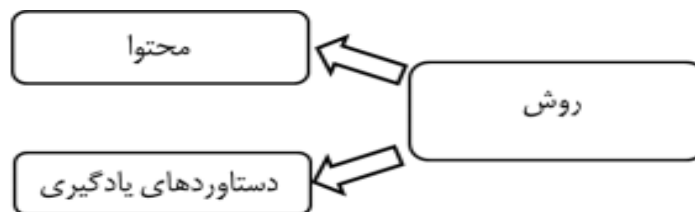
شکل ۵. فرایند طراحی برنامه درسی رو به جلو



منبع: (ریچاردز، ۲۰۱۳)

در طرح مرکزی، برنامه ریزی درسی با انتخاب فعالیت‌های تدریس آغاز می‌شود. تصمیم‌گیری در مورد درون‌داد و برون‌داد، پس از اتخاذ روش یا در طول آن صورت می‌گیرد. در این طرح، مدرس بجای اینکه از درون‌داد یا فرایند شروع به طراحی کند، از فعالیت‌هایی که قرار است در کلاس صورت گیرد، آغاز می‌کند. مفروضه اصلی این طرح این است که تمرین‌ها و فعالیت‌های اتخاذ شده در کلاس درس، منجر به دستاوردهای یادگیری مطلوب می‌شود (ریچاردز، ۲۰۱۳). شکل زیر فرایند طراحی برنامه درسی مرکزی را نشان می‌دهد:

شکل ۶. طراحی برنامه درسی در رویکرد مرکزی



منبع: (ریچاردز، ۲۰۱۳)

تعامل بین عناصر برنامه درسی در طرح مرکزی به شکل زیر است:

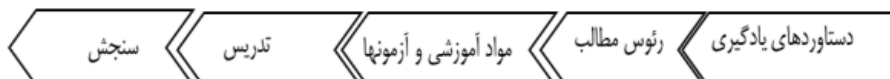
شکل ۷. ارتباط عناصر برنامه درسی در طرح مرکزی



در طرح رو به عقب ابتدا دستاوردهای یادگیری مشخص شده و طراحی فرایندهای آموزشی و درونداد بر اساس آن صورت می‌گیرد. فعالیت‌های تدریس و محتوا در این طرح، با توجه به دستاوردهای یادگیری انجام می‌شود. نقش روش در این طرح تعیین کارآمدترین روش‌های تدریس در جهت دستیابی به اهداف است که در آن بیشتر از رویکرد سنجش معیارمحور استفاده می‌شود. در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، طراحی برنامه درسی با رویکرد رو به عقب صورت می‌گیرد که در آن تعیین شایستگی‌ها یا دستاوردهای یادگیری و روش سنجش، از مهمترین گام‌ها به شمار می‌رود. شکل زیر فرایند طراحی برنامه درسی رو به عقب را نشان می‌دهد:

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کربمی | ۱۷۵

شکل ۸. طراحی برنامه درسی در رویکرد رو به عقب (ریچاردز، ۲۰۱۳)



علی‌رغم اینکه طراحی در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی با رویکرد رو به عقب صورت می‌گیرد، در مورد مراحل طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی نیز، در ادبیات به دیدگاه‌های گوناگونی بر می‌خوریم.

یافته‌ها

براساس تحلیل و تشریح الگوهای مورد بررسی در این پژوهش مشاهده می‌شود که هر کدام از این رویکردها دارای تعدادی مؤلفه کلی و عمومی است که این مؤلفه‌ها در رویکرد کلی برنامه درسی نقش مهمی ایفاء می‌کنند. اما هر کدام از این رویکردها نگرش خاص و ویژه‌ای به رویکرد و الگوی شایسته‌محوری در برنامه درسی دارند که به طور خاص شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی مشخص و معینی برای آن ترسیم و تعیین شده است. جدول شماره (۱) به تفکیک شاخص‌های عمومی برنامه درسی و شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی محور را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای شایسته‌محور در برنامه درسی مورد نظر چادها، رایان ،

دیلمور و همکاران و ریچاردز

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی شایستگی محور	مؤلفه‌های کلی برنامه درسی	الگوها
شایستگی‌ها و پیامدهای یادگیری بیانیه‌های شایستگی (اهداف قابل مشاهده و اندازه‌گیری) روش‌های تدریس و یادگیری ارزشیابی	اهداف تجارب فرصت‌های یادگیری ارزشیابی	چادها (۲۰۰۶)
تعیین شایستگی‌های اصلی برای عملکرد مورد انتظار تعیین دستاوردهای مورد انتظار یادگیری	شایستگی‌های کلی (هدف)، دستاوردها یا شایستگی‌های خاص (هدف‌ها قابل مشاهده و اندازه‌گیری)	رایان (۲۰۱۱)

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی شایستگی محور	مؤلفه‌های کلی برنامه درسی	الگوها
شایستگی‌های تخصصی تعیین روش‌های تدریس ارزشیابی.	تدریس و ارشیابی	
فلسفه و مأموریت‌ها شایستگی و ساختار برنامه درسی ارزشیابی تحصیلی به همراه آزمون‌ها و آموزش استانداردهای مقایسه‌ای ارزشیابی	فلسفه اهداف استانداردها آموزش ارزشیابی.	دیل‌مور و همکاران (۲۰۱۱)
محتوا رئوس مطالب روش دستاوردهای یادگیری سنجش و ارزشیابی	درونداد فرایند پرونداد	ریچاردز (۲۰۱۳)

همانگونه که در جدول فوق نشان داده شده است الگوهای بررسی شده در این پژوهش از یک سو دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌های عمومی و کلی برنامه درسی هستند و از سوی دیگر با رویکردی تخصصی‌تر شاخص‌ها و مؤلفه‌های برنامه درسی شایستگی محور را نیز تعیین نموده‌اند. در حوزه برنامه درسی شایستگی محور برخی از مؤلفه‌ها به طور مشترک در همه الگوها مورد تأکید قرار گرفته است. برخی دیگر در دو یا سه الگو و برخی دیگر نیز در یک الگو مورد توجه بوده‌اند. تکرار این مؤلفه‌ها در الگوهای مطرح شده نشان از درجه اهمیت و تأثیرگذاری این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها دارد که توجه به آن در تدوین و طراحی الگوی برنامه درسی از اهمیت بالایی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات و پژوهش‌های مهم در رابطه با برنامه درسی شایستگی محور و تبیین و تشریح الگوها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد تأکید اندیشمندان و نظریه‌پردازان حوزه برنامه ریزی درسی نشان از تعدد و تنوع الگوها، شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در این حوزه است. بنابراین

اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی محور؛ کریمی | ۱۷۷

از مهمترین نکات مهم این پژوهش توجه و تمرکز بر تعداد معدودی از مهمترین و تأثیرگذارترین نظریه پردازان حوزه برنامه‌ریزی درسی یعنی تمرکز بر الگوها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مطرح شده از سوی نظریه‌پردازانی نظیر چادها (۲۰۰۶)، ریان (۲۰۱۱)، دیلمور و همکاران (۲۰۱۱) و ریچاردز (۲۰۱۳) بوده است. بنابراین همانطور که از دیدگاه صاحب‌نظران برنامه درسی بر می‌آید، در رابطه با الگوهای شایستگی محور در برنامه درسی رویکردهای متعدد با ویژگی و خصوصیات مشترک یا منحصر بفردی وجود دارد. هر یک از این الگوها بر شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و عناصر خاصی تأکید دارد که در مقایسه با دیگر الگوها متفاوت است همچنین برخی از عناصر و مؤلفه‌ها نیز وجود دارد که در همه رویکردها و الگوها مشترک است که نشان دهنده اهمیت و اثرگذاری مهم آن مؤلفه و شاخص است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چهار الگوی برنامه درسی شایستگی محور مورد نظر چادها، رایان، دیلمور و همکاران و ریچاردز در برخی مؤلفه‌ها و عناصر با یکدیگر متفاوتند و در برخی شاخصه‌ها مشترک هستند که این موضوع نشان دهنده اهمیت و نقش تعیین کننده این مؤلفه‌ها در الگوی شایستگی محور در برنامه درسی است. بنابراین این شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها به عنوان مهمترین شاخصه‌های مشترک در این الگوها شناخته می‌شود اگرچه مؤلفه‌های دیگر نیز دارای اهمیت هستند، اما با توجه به اینکه این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در هر ۴ الگو به صورت مشترک مورد تأکید قرار رفته به عنوان شاخص‌های دارای اولویت شناخته می‌شوند. این مؤلفه‌های کاملاً مشترک، مؤلفه‌های آموزش و روش‌های تدریس و ارزشیابی هستند. همچنین مؤلفه‌هایی نظیر مصادیق شایستگی، فرآیند یادگیری نیز در اولویت بعدی قرار دارد. دیگر مؤلفه‌ها نظیر محتوا، رئوس مطالب و مأموریت‌ها نیز اگرچه در هر یک از الگوها به صورت خاص ارائه شده است اما با توجه به اینکه از وجوه اشتراک برخوردار نیستند در اولویت بعدی قرار دارند.

در ادامه به منظور بهینه‌سازی فرآیند طراحی و تدوین برنامه درسی شایستگی محور پیشنهادهای ارائه می‌گردد که به نظر نگارنده می‌تواند در حوزه برنامه درسی

شایستگی محور مؤثر واقع گردد. در گام اول سازمان‌ها و نهادهای متولی تدوین و طراحی برنامه درسی با تمرکز و توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در برنامه درسی در راستای ارتقاء توانمندی، شایستگی و استعداد دانش‌آموزان گام بردارند. در گام بعدی با اصلاح اسناد تحول بنیادین آموزشی و پژوهشی و تغییر رویکردهای آموزشی و بازطراحی محتوای درسی و تولید محتوای درسی براساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در تقویت شایستگی بستر را برای ایجاد تحول و پیشرفت‌های علمی و مهارتی را فراهم نمایند و در گام سوم مراکز و نهادهای آموزشی و نیز معلمان و مربیان آموزشی در مرحله اجرایی و عملیاتی برنامه درسی و نیز در ارائه محتوای درسی این شاخص‌ها و مؤلفه‌های نقش آفرین و اثرگذار را مورد توجه خود قرار داده و در برنامه‌های آموزشی خود بکار گیرند.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Mahdijeh Karimi



<https://orcid.org/0000-0001-8014-5899>

منابع

- حیدری، فائزه و احمدی غلامعلی (۱۳۹۲)، «شناسایی مشکلات فرآیند ارزشیابی برنامه‌های درسی و ارائه راهکارهایی برای رفع آن»، فصلنامه پژوهش در برنامه درسی، سال دهم دوره دوم، شماره ۹، بهار.
- رضایت، غلامحسین و صادق بیگی، منیژه (۱۳۹۲)، «تدوین الگوی شایستگی های دبیران دبیرستان های دولتی ایران»، فصلنامه علمی نوآوری‌های پژوهشی، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار.
- روشن، سید علیقلی و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی تحلیلی عمده ترین عوامل عدم شکوفایی استعداد خلاقیت در دانش آموزان»، سومین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران، تهران.
- کیان، مریم و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت فضای فیزیکی و آموزشی مدارس دوره متوسطه»، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران
- مظاهری، حسن (۱۳۹۵). الگوی طراحی برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی مبتنی بر اسناد تحول بنیادین، رساله دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی.
- مومنی مهموئی، حسین، کاظم پور، اسماعیل و تفرشی، محمد (۱۳۹۰) برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی، راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی های اساسی، فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی ۴، ۳-۱۴۳.
- هدایتی، اکبر و همکاران (۱۳۹۵)، «طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی»، فصلنامه پژوهشهای کیفی در برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی، دوره اول، شماره ۴، پاییز.

References

- Ademola, C. A., & Agbakosi, A. O. (2020) Basic Education And Talent Discovery Of Junieur Secondary School Students In Ibadan North Local Government Area Of Oyo State. *International Journal of Innovative Research and Advanced Studies (IJIRAS)* Volume 7 Issue 2
- Akala, B. M. M. (2021). Revisiting education reform in Kenya: A case of Competency Based Curriculum (CBC). *Social Sciences & Humanities Open*, 3(1), 100107.
- Ambei Moses Chu et al (2020), "The Competency Based Curriculum Implementation: the Perspective of Teachers use of Resources", *The Competency Based Curriculum Implementation: Appraisal from the*

- Perspective of Teachers use of Resources, https://www.researchgate.net/publication/344156376_The_Competency_Based_Curriculum_Implementation_the_Perspective_of_Teachers_use_of_Resources.
- Andersen, P. R. (2008). Determining Competency For Entry To Nursing Practice: A Grounded Theory Study, A thesis submitted to the Victoria University of Wellington in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Nursing.
- Andronache, D., Bocoş, M., & Neculau, B. C. (2015). A Systemic interactionist Model to Design a Competency - based Curriculum. *Procedia Social and Behavioral Sciences* , 180, 715 -721
- Linda Darling-Hammond, Lisa Flook, Channa Cook-Harvey, Brigid Barron & David Osher (2018) Implications for educational practice of the science of learning and development 1088-8691 (Print) 1532-480X (Online) Journal homepage: <https://www.tandfonline.com/loi/hads20>
- Richards, J. C. (2013). Curriculum approaches in language teaching: Forward, central, and backward design. *RELC Journal*, 44(1), 5-33.
- Ryan, Janette(2011),"Teaching and Learning for International Students: Towards a Transcultural Approach", *Teachers and Teaching: Theory and Practice*, v17 n6 p631-648 2011.
- Sudsomboon W.(2007) Construction Of A Competency-Based Curriculum Content Framework For Mechanical Technology Education Program on Automotive Technology Subjects.In Proceedings of the ICASE Asian Symposium.[cited 2016 Mar 6]. Available from: www.kmutt.ac.th/rippc/pdf/abs50/503003.pdf
- Tripathi, Kaushiki; Agrawal, Manisha. (2014). Competency Based anagement In Organizational Context: A Literature Review, *Global Journal of Finance and Management*. Vol 6, No 4 , pp. 349-356.
- Wachidi, W., Rodgers, A., & Tumanov, D. Y. (2020). Professional competence understanding level of elementary school in implementing curriculum 2013. *International Journal of Educational Review*, 2(1), 99-105.
- Walsh JL. (2012). Educational of professionals: Is there a role for a competency-based approach? Australia: University of Queensland Publication.

استناد به این مقاله: کریمی، مهدیه. (۱۴۰۳). اولویت‌بندی مهمترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوهای برنامه‌درسی شایستگی‌محور، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه‌ریزی درسی، ۵(۱۴)، ۱۵۵-۱۸۰. DOI: 10.22054/qric.2024.81946.389



Qualitative Research in Curriculum is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License..